

**The Image of the Imam in Shi‘i Thought Based on Ḥadīths from Al-
Kāfī**

Mohsen Daryabeygi¹

Abstract

The coherence among the various domains of a theological system—and the absence of contradiction among its subsystems—serves as evidence for the authenticity of that system, reducing the likelihood of eclectic tendencies and external influences. In the epistemological structure of Imami teachings, the Imam constitutes the foundation of all forms of religious knowledge, both rational and transmitted. Thus, the spiritual and intellectual status of the Imam represents a central concern in Shi‘i theology.

Identifying this status within the most authoritative ḥadīth collection of Shi‘i Islam provides a foundation for strengthening the rational dimension of Imami theology. Accordingly, this study delineates the image of the Imam and his epistemic–spiritual rank as presented in the Kitāb al-Ḥujjah of Uṣūl al-Kāfī. The Al-Kāfī collection, as the most comprehensive source of Imami ḥadīth, offers the

¹ . Faculty Member, Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran.
Email: mohsen_daryabeigi@yahoo.com

clearest access to an accurate conception of the Imam within Shi'ī thought.

The article first outlines the doctrine of imamate and its defining characteristics, then situates the Imam within the hierarchy of existence, and finally examines the Imam's relationship to the prophets and the Seal of Prophets. The research adopts a qualitative and analytical methodology based on library sources.

Keywords: Imamate, transmitted approach, Kitāb al-Ḥujjah, spiritual ranks of the Imam

حكمت كريمان

السنة الرابعة، صيف سنة ١٤٤٦، الرقم الثاني عشر

تصوير الإمام في الفكر الشيعي على أساس أحاديث كتاب الكافي

محسن دريابيغي^١



الملخص

إنّ الانسجام بين المجالات المتنوعة لنظام لاهوتي واحد وانعدام التناقض بين أنظمتها الفرعية يدلّ على أصالته. فمجموعةٌ يُحتمل دخول عناصر غريبة فيها وتأثرها بتقاطعات متنوّعة تفقد أصالتها. وبما أنّ موقع الإمام في النظام المعرفي للإمامية هو الأساس لكلّ المعارف الدينية عقلية كانت أم نقلية إنّ مكانة الإمام المعنوية إحدى أهمّ مباحث علم الكلام. إنّ العثور على مكانة الإمام المعنوية في أمتن مصدر حديثي شيعي يشكّل أرضيةً لتعزيز الكلام العقلي عند الشيعة. في هذه المقالة نعرض تصويراً رسمياً عن الإمام ومكانته العلمية والمعنوية في ضوء روايات كتاب أصول الكافي. يُعدّ كتاب الكافي أفضل مصدرٍ يمكن أن يقدّم لنا صورةً دقيقة عن الإمام في الفكر الإمامي. لقد ذُكرت في هذه المقالة أولاً الإمامة وخصائص مراتبها ثم بيان منزلة الإمام و مراتبه الوجودية وأخيراً علاقة الإمام بالأنبياء والخاتم وصولاً إلى الصورة المطلوبة. إنّ منهج البحث كفيّ و تحليليّ قائم على الدراسات المكتبية.

الكلمات المفتاحية: الإمامة، المنهج النقلي، كتاب الحجة، المقامات المعنوية للإمام.

١. عضو الهيئة العلمية في أمانة المجلس الأعلى للثورة الثقافية.

فصلنامه حکمت کریمان

شماره ۱۲، تابستان ۱۴۰۴

صص ۱۳۷-۱۵۶

تصویر امام در اندیشه شیعی بر پایه احادیث کافی

محسن دریابیگی^۱



چکیده

هماهنگی میان حوزه‌های گوناگون یک نظام الهیاتی و عدم تنافی میان زیر نظام‌های آن نشانی است بر اصالت آن مجموعه، اصالتی که احتمال التقاط گونگی آن نظام‌واره و تأثیر نفوذ التقاط‌گونه را می‌کاهد. امام در نظام معرفتی معارف امامیه اساس همه دانش‌های دینی، چه عقلی و چه نقلی است. جایگاه معنوی امام یکی از مباحث جدی کلام است. یافتن جایگاه معنوی امام در متقن‌ترین منبع حدیثی شیعه، زمینه تقویت کلام عقلی شیعه دارد. از این رو در این مقاله ترسیمی از امام و جایگاه علمی معنوی امامت بر اساس روایات کتاب الحججہ اصول کافی ارائه می‌شود. کتاب کافی بهترین اثری است که می‌تواند ما را به تصویری دقیق از امام در اندیشه امامیه آگاه کند. در این مقاله ابتدا امامت و ویژگی‌های این منزلت را بیان و سپس نسبت امام در مراتب هستی ذکر و در پایان ارتباط امام با انبیا و نبی خاتم به تصویر کشیده شده است. روش پژوهش کیفی و تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: امامت، رویکرد نقلی، کتاب الحججہ، مقامات معنوی امام.

۱. عضو هیات علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مقدمه

با رویکردهای متفاوتی همچون فقهی، تحلیل کلامی، عرفانی، تفسیری، روایی، تاریخی و میان‌رشته‌ای به مسئله امامت توجه شده است (قراملکی، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۵۵) در رویکرد کلامی براساس روایات از عقل و نقل یاری گرفته شده است.

هماهنگی میان حوزه‌های مختلف یک نظام الهیاتی و عدم تنافی میان زیر نظام‌های آن نشانی است بر اصالت آن مجموعه، اصالتی که احتمال التقاط‌گونه‌گی آن نظام‌واره و تأثیر نفوذ التقاط‌گونه را می‌کاهد. امام در نظام معرفتی معارف امامیه اساس همه دانش‌های دینی، چه عقلی و چه نقلی است.

کلام نقلی امامیه می‌تواند اصالت مباحث کلامی شیعه را روشن سازد و افترای بهره‌مندی و التقاط با دستگاه‌های فکری دیگر در دوره‌های تاریخی را از آن بزدايد. کتب روایی اعتقادی امیه قبل از قرن چهارم، گواه صادقی بر این مدعاست.

در مورد کتاب الکافی آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۳) چنین تعبیر می‌کند که «هو اجل الکتب الاربعه لم یکتب مثله فی المنقول من آل الرسول و لم یصنف فی الاسلام مثله (۲۴۵/۱۷)؛ بهترین اثری که می‌تواند ما را به تصویری دقیق از امام در اندیشه امامیه آگاه کند. کتاب الحجج اصول کافی است که حاوی یکصد و سی باب و ۱۰۱۵ حدیث در موضوع امامت است. شرح‌ها و حواشی فراوان بر این کتاب می‌تواند در موارد ابهام و ایهام روایات یاری رساند. در این مقاله ابتدا امامت و ویژگی‌های این منزلت را بیان و سپس نسبت امام در مراتب هستی ذکر و در پایان ارتباط امام با انبیا و نبی خاتم به تصویر کشیده شده است. مقاله‌ای تاکنون به این غرض و این دسته‌بندی مبتنی بر کتاب الحجج تنظیم نشده است. نزدیک‌ترین مقاله توسط بنی‌عصار، عباسی و سالمی (۱۴۰۲) با عنوان «امامت از

۱. برای اطلاع بیشتر از کافی ر.ک مقدمه دکتر حسین علی محفوظ (۱۳۴۴-۱۴۳۰) که در سال ۱۳۷۴ نگاشته شده و در مقدمه کافی با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری آمده است.

منظر تحلیل قاعده امام خامنه‌ای با تطبیق بر کتاب الحججہ الکافی»، نگاشته‌اند که با رویکرد تطبیقی و نظری به قاعده امامت می‌پردازد، درحالی‌که این مقاله به بازنمایی سیمای امام در روایات الکافی تمرکز دارد که در این ترسیم‌بندی نظام‌مند نکاتی نیز مدنظر بوده از جمله باورنکردن به قطعیت صدور تمام احادیث کافی، اکتفا به ظاهر روایت و عدم اخذ لوازم سخن، توجه به خبر مستفیض در بنای عقاید امامیه (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۲۵)، توجه به حقیقت نوری واحد امامان؛ همچنین در حد توان بهترین تعبیر از کلام امام را ذکر کرده‌ایم.^۱

در این مقاله ما ابتدا ویژگی‌های ظاهری و باطنی امام را گفته و سپس سه ویژگی خاص (علم، عصمت و قدرت) را بیان و سپس رابطه امام در مراتب هستی (خداوند، عالم ذر، عرشیان، قیامت) و در پایان با انبیا و نبی خاتم به تصویر می‌کشیم. با توجه به کثرت ارجاعات به کتاب الحججہ در این مقاله، برای سهولت مطالعه و پرهیز از تکرار، به جای ذکر کامل مشخصات در ارجاع درون‌متنی تنها به شماره حدیث اکتفا شده است.

۱. ویژگی‌های امام

عنوان حجت برگزیده مرحوم کلینی در کافی برای منصب امامت است.^۲ این تعبیر

۱. شرایط فضایی که اهل بیت علیهم‌السلام بتوانند معارف را به صورت یک نظام واره بیان کنند نبوده است می‌فرماید: ((اشکوا الی الله وحدتی و تغللی یا لیت هذه الطاغیه اذن لی فاتخذ قطراً فسكنت و اسكنتکم معی (کافی، ۱۳۴۴: ۲۱۵/۸)).

۲. به نظر می‌رسد بهترین تعبیر برای مقام امام مفهوم حجت است. توضیح آنکه در نصوص اسلامی دو گونه متن درباره امامت آمده است: یکی درباره امامت و رهبری به طور کلی که امامت عامه نامیده می‌شود و دیگری درباره امامت و رهبری شخص معین چون علی بن ابی طالب یا فرزندان آن سرور از امام حسن تا امام عصر امامت خاصه نامیده می‌شود. در هر دو دسته نصوص گاهی مسأله رهبری با کلمه امامت ذکر شده و گاهی با کلمه حجت و گاهی با کلمه ولایت؛ تعبیر حجت از همه تعابیر به

روایی است که گاه با وصف بالغه آمده و به ساکنان روی زمین و زیر خاک شمول داده شده است (ح ۵۱۵)، امام (ح ۵۱۷)، محدث^۱ (ح ۴۳۵ و ح ۶۹۹) و مفهم (ح ۷۰۵) اوصافی دیگر است؛ اما حجت الهی باید برپادارنده قرآن باشد (ح ۴۸۸). اگر حجت الهی در زمین نباشد، زمین مانند دریایی موج برای اهلش سکونتی باقی نمی‌گذارد (ح ۴۵۳) الحجه قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق (ح ۴۴۱) موجود است. بقای زمین مرهون وجود امام است در غیر اینصورت از هم پاشیده شود (ح ۴۵۱). اگر دو نفر روی زمین باشند، یکی از آن دو باید امام باشد (ح ۴۵۵)؛ همچنین دو امام در یک زمان باید یکی صامت و دیگری ناطق باشد (ح ۴۴۱).

خلیفه خدا (ح ۵۰۶)، وصی الهی (ح ۵۰۷) و علامت (ح ۹۵۱)^۲ عناوینی است که از این مقام یاد شده است. امامت اصل اصیل و اساسی دین اسلام است (ان الامامة اس الاسلام النامية) (کافی، ج ۱، ص ۲۰۰). امام با قلب مقایسه شده که داور و ارزیاب دریافت های حسی در بدن است. امام هم ارزیاب و برطرف کننده حیرت و سردرگمی بندگان است (ح ۴۲۷). انبیاء اولوالعزم پس از گذراندن مقامات به منزلت امامت واصل می‌شوند (ح ۴۳۱ و ح ۵۱۷ و ح ۴۳۴)؛ نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله به آن دست یافته

مقصود نزدیک تر است. زیرا تبعیت و تسلیم تنها در برابر حجت الهی است. مجلسی (۱۴۰۳) در سایه روایات علم امام را در پرتو حجت بودن آنان تبیین می‌کند اما علمهم بالصناعات مفهومات الاخبار المستفیضة دال عیه حیث ورد منها ان الحججة لا یكون جاهلاً فی شی یقول لا ادری مع ما ورد من ان عندهم علم ما کان و ما یكون و ان علوم جمیع الانبیاء و صل الیهم مع ان اکثر الصناعات منسوبة بالانبیاء لا ینبغی للمتنبع الشک فی ذلک ایضاً (۱۹۳/۲۶)؛ برای فهم مختصر از مقام امامت ر.ک: ح ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹

۱. لقب محدث برای اهل بیت از آن باب است که اینان تنها صدای فرشته را میشنوند اما آنرا نمی‌بینند (ح ۶۳۸) ندانستن تفاوت میان مقام محدث و نبی منجر به غلو می‌گردد. (ح ۷۰۴)
۲. اسامی کنایی برای امامانی که در حال تقیه بوده‌اند مانند موسی بن جعفر (عبد صالح) و امام زمان (صاحب الدار، غریم) در اصول کافی آمده است.

اند (ح ۴۳۳). معرفت امام شیعیان یکسان نیست و معارف والا برای قلبی مورد پذیرش نبوده است. در برخی مقامات نورانی میان شیعیان اختلاف بوده است^۱ (ح ۱۱۸۶) از سویی برخی از مخالفین فضایل عادی را نیز غلو می دانسته اند (ح ۱۳۲۱) در روایات به نحو قدر متیقن مرزهایی برای غلو و غیر غلو مشخص شده است. برای نمونه فراتر رفتن از خلقت نوری این بزرگواران قبل از خلقت هستی هلاکت است (ح ۱۱۸۶)

باین حال امر امامت از آفتاب روشن تر است (ح ۸۸۴). امامت رکن زمین است تا اهل زمین زیست آرامی برایشان فراهم آید. امامت برتر از فهم مردمان و جایگاه پیامبران و میراث دار اوصیاء است. زمام دین و نظام بخش مسلمین و صلاح بخش دنیا و عزت دهنده مؤمنان است (ح ۵۱۸). امام بی نظیر و توصیف ناپذیر است (ح ۵۱۸). مقامی وهبی و اکتساب ناپذیر است (ح ۵۱۸). امامت بار و یک امانت از سوی خداست. هر امامی چون امین الهی است، امامت را به امام بعدی طبق امر الهی واگذار می کند (ح ۷۲۴)؛ زیرا امامت عهدی است الهی و برای افراد مشخصی معین شده است (ح ۷۳۰). امام از عهد الهی تجاوز نمی کند^۲ (ح ۷۳۴). امام برترین فرد پس از امام قبل و وصی اوست^۳ (ح ۷۳۹)، امام منصبی الهی است. حتی اگر امامی یکی از فرزندان او را بیشتر دوست داشته باشد، به تعیین امامت ربطی ندارد. اگر خردسال هم باشد، موارث امامت به وی منتقل می شود؛ خداوند با نبوت عیسی در کودکی بر پیامبری وی احتجاج کرده است؛ سن کم امام نیز همین طور است (ح ۱۳۰۳). البته فرزند بزرگ اگر عیب خلقی و

۱. مرحوم مجلسی (۱۳۸۳) ذیل روایت ۱۱۸۶ در *مراه العقول* پس از بحث در مورد جایگاه نورانی اهل بیت در قبل از خلقت می گوید: *والله يعلم حقایق تلك الاسرار و حججه الاخیار* .

۲. این جمله عنوان باب مستقلی است که ۵ روایت در ذیل آن گنجانده شده است.

۳. کتاب *الحججه* برای دوازده امام نص امام قبلی ذکر شده است و در باب های جداگانه ذکر شده است.

۴. در کتاب *الحججه* بابی است که در این موضوع است با عنوان *حالات الائمه علیهم السلام فی السنه* که

۸ روایت ذیل آن آمده است (ح ۹۸۶-۹۹۳).

خُلُقِی نداشته باشد نشانه ایست برای امامت وی (ح ۷۴۳). بالاترین غضب خداوند بر بندگان آن هنگامی است که حجت وی آشکار نباشد (ح ۸۷۶) هرچند عبادت در این دوره ارزش بیشتری دارد (ح ۸۸۰). امام از طریق باطن افراد آنان را از حیرت خارج می‌سازد (ح ۹۱۹). حقیقت دین خضوع در برابر ولی است^۱ (ح ۹۶۵ و ۸۲۵) امام طیب ولادت، تربیت صحیح و اهل لهو نیست (ح ۷۴۱). پاک دامن و متقی است (ح ۷۴۰). هرکسی بدون معرفت امام خود بمیرد به مرگ جاهلی مرده است (ح ۹۶۹). معرفت امام از شناخت خداوند جدا نیست^۲ (ح ۴۶۰). انکار امام انکار خدا و رسول الهی است (ح ۴۶۴). ایمان مرهون شناخت خداوند، پیامبر و تمامی امامان است (ح ۴۶۱)؛ همان طور که انکاری یک پیامبر و قبول دیگری بی فایده است (ح ۴۶۵). قدر و منزلت امام را حیوانات نیز می‌دانند (ح ۱۳۴۸). اطاعت از امام باید چون بندگان باشد (ح ۴۸۳). پذیرش اطاعت از امام محور اصلی مفهوم شیعه است^۳ (ح ۴۸۶). درک مقام امامت باعث چشیدن طعم و شیرینی ایمان است (ح ۵۱۹). پذیرش اعمال بندگان به برکت شناخت مقام امام است (ح ۵۱۹). امام داعی حق (ح ۵۶۲) هادی حق است (ح ۵۶۲). امام به غیر از منصب نبوت، دیگر ویژگی‌ها را داراست (ح ۶۳۸) آنچه از ولایت تشریحی بر پیامبر واگذار شده، بر اهل بیت علیهم السلام آن جناب داده شده است. دارای روح‌های پنج‌گانه است که پنجمین مرتبه روح القدس ویژه امام است که به واسطه آن همه چیز را می‌دانند

۱. ر.ک: کافی، کتاب الحججة، باب فیمن دان الله عز و جل بغیر امام من الله عز و جل.

۲. شیخ مفید (۱۴۱۳) راه شناخت کامل را از طریق امام می‌داند (۲۲). این استنتاج به شکل دیگری شیخ طوسی (۱۳۸۲) انجام داده اند (۴۱/۱ و ۵۰). به تعبیر برخی بزرگان اهل بیت علیهم السلام بر ما حق ظهورند و خداوند حق وجود، همان طور که نفس ناطقه می‌بیند اما ظهور دیدن از راه چشم است.

۳. در برخی روایات دیگر در کتب شیعه پایین ترین حد معرفت امام این است که آدمی اجمالاً بداند که امام همتای پیامبر و وارث ایشان غیر از درجه نبوت است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۷/۳۶) و این مطلب را برای تمامی اهل بیت علیهم السلام لازم داند (ر.ک همان: ۳۶۰/۲۵).

(ح ۷۰۸). روح القدس از عالم ملکوت و همراه اهل بیت علیهم السلام است (ح ۷۱۳).
امام صدای ملک را می شنود؛ ولی او را نمی بیند (ح ۴۳۵) آنچه از مصائب بر آن ها
وارد می شود، خودشان آن را پذیرفته اند (ح ۷۳۷). به واسطه وی باران می فرستد و بر
بندگان ترحم می کند (ح ۸۲۵). همه احتیاجات مردم نزد امام موجود است (ح ۶۷۵).
محمد صلی الله علیه و آله از همه مخلوقات برتر است (ح ۵۱۵). تمام فضل پیامبر صلی الله علیه و آله را اهل بیت علیهم السلام
دارا هستند (ح ۵۱۵). امام را ده علامت است: پاکیزه و ختنه شده متولد می شود، وقت
تولد شهادتین را گوید، محتلم نگردد، چشمش بخوابد و قلبش نخوابد، خمیازه نکشد، از
پشت سر خود می بیند، مدفوعش بوی مشک دهد و زمین وظیفه دارد آن را بپوشاند. زره
رسول خدا صلی الله علیه و آله به قامت وی اندازه و از قامت دیگران بلندتر است، تا زمان وفات فرشته با
وی سخن گوید (ح ۱۰۰۴). نطفه ائمه منشأیی الهی و در تولدش آثار ولایت ظاهر می شود
(ح ۹۹۷). بنابر سنتی از حضرت موسی بن عمران امام را امام غسل می دهد (ح ۹۹۵).
شناختن ائمه، تسلیم در برابر آنان، ارجاع اختلافات خود به ایشان از تکالیف مردم در
برابر امام است (ح ۱۰۰۹). مناسک حج مقدمه معرفت امام است^۱ (ح ۱۰۱۷). امامان در
بین جنیان نماینده دارند (ح ۱۰۵۹). امام در حل مشکلات مردم خود را مسئول می داند
(ح ۱۰۵۹) در اعطای اموال فقرا و... امین است (ح ۱۰۶۰). تمامی زمین متعلق به امام
است^۲. ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام امر آسمانی و در معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شده است
(ح ۱۱۹۹).

۱. در کتاب الحججه بابی است که در این موضوع با عنوان «ان الواجب علی الناس بعد ما یقضون
مناسکهم ان یاتوا الامام فیسالونه عن معالم دینهم و یعلمونه ولایتهم و مودتهم له» است.
۲. در کتاب الحججه بابی با عنوان «الأرض کلها للإمام صلی الله علیه و آله» آمده است که ۹ روایت در ذیل آن ذکر شده
است.

۱-۱. علم امام (ویژگی، موارد و منابع)^۱

وراثت معنوی امام در فرهنگ روایی امامیه، دانش و توانایی اعجاز گونه پیامبران گذشته و کتب آسمانی را در بر می گیرد که به میراث اهل بیت علیهم السلام رسیده است (ح ۵۹۹) همه آن کتابها با اختلاف زبانها نزد اهل بیت علیهم السلام موجود می باشد (ح ۶۰۰) برای نمونه، امام از زبان سریانی اطلاع دارد (ح ۶۰۱) گنجینه دار علم الهی و ظرف وحی الهی است (ح ۵۰۰) مترجم وحی (ح ۵۰۳) همراه قرآن (ح ۴۹۵) دارای علم منایا (مرگ افراد)، بلاها و انساب است (ح ۵۱۵).

در کتاب الحجه اصول کافی بابی با عنوان اهل ذکری که خدا مردم را به پرسش از آنان امر فرموده، اهل بیت علیهم السلام هستند (نحل: ۴۳) و روایاتی در این معنا و مقصود ذکر شده است (ح ۵۳۸-۵۴۶) همچنین بابی به کسانی اختصاص یافته است که خداوند در قرآن کریم آنان را به وصف عالم یاد کرده و این عنوان بر امامان تطبیق داده شده است. در این بخش آیه نهم سوره زمر ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ بر امامان تطبیق شده است (ح ۵۴۷-۵۴۸) در روایات کافی امامان میراث بر کتاب خداوند هستند (ح ۵۵۷ و ۵۶۰)^۲ کردار خلق از مؤمن و فجار گرفته هر صبح بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام عرضه می شود (ح ۵۷۶ و ۵۸۰). امام معدن علم الهی و موضع سر خداوند است (ح ۵۸۳). در این میان علی بن ابی طالب علیه السلام با برجستگی بیشتر یاد شده است. آن بزرگوار علیه السلام میراث بر هزار سنت از پیامبران گذشته است (ح ۵۸۸) که حاوی علومی است که از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام به ارث رسیده است. از این رو

۱. این تقسیم بندی ۳ گانه را از کتاب علم از دیدگاه کلام امامیه از قرن اول تا هفتم هجری، آمده است که در این کتاب عنوانین ابواب علم امام در کتاب کافی و بصائر الدرجات مقایسه شده است (اوجاقی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۵۱) و در مقاله ای نمایه گونه از تمامی احادیثی موضوع علم ارائه شده است (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۷).

۲. امام صادق علیه السلام: «ان الله جعل ولايتنا اهل البيت قطب القرآن» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۵۰/۱).

علم علی علیه السلام از انبیاء پیشین بیشتر است (ح ۵۹۰)؛ ارثی از آدم علیه السلام (ح ۵۸۸) تا خاتم. بابی با عنوان «ان الائمة ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء و الاوصیاء الذین من قبلهم» (ح ۵۹۳)، علم بلایا و منایا (ح ۵۹۳) علم صحف ابراهیم (ح ۵۹۴) نزد اهل بیت علیهم السلام است. اهل بیت علیهم السلام وارثان پیامبران اولوالعزم (ح ۵۹۳)^۱ و دارای علوم: تورات، انجیل و زبور و الواح موسی هستند (ح ۵۹۳ و ۶۰۶) در هر روز و ساعت علوم بر آنان افزوده شده است (ح ۵۹۳ و ۶۰۶). هفتاد و دو حرف از اسم اعظم الهی نزد امامان موجود است. حضرت عیسی دو حرف و حضرت موسی چهار حرف و حضرت نوح پانزده حرف و حضرت آدم بیست و پنج حرف را داراست. و در نزد آصف بن برخیا یک حرف موجود است (ح ۶۰۹) اسم اعظم علمی نافذ است؛ زیرا آصف تخت بلقیس را نزد سلیمان حاضر نمود^۲ (ح ۶۱۰). اسمی که پیامبر در جنگ میان مسلمانان و کفار به کار می‌بستند و تیرهای کفار به واسطه آن اسم به مسلمانان اصابت نمی‌کرد، نزد حضرات معصومین است؛ همچنین انگشتر سلیمان نزد علی علیه السلام موجود است (ح ۶۱۶).

فیه ذکر الصحیفه و الجفر و الجامعه و مصحف فاطمه علیها السلام عنوان بابی در کتاب الحجّه است که به منابع علمی اهل بیت علیهم السلام پرداخته شده است. این منابع به غیر از جفر سرخ (در برابر جفر سفید)^۳ (ح ۶۳۱)، حاوی معارف فقهی و نیاز مردم است (ح ۶۲۹) این کتاب به املاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خط علی علیه السلام است^۴ (ح ۶۳۵). مصحف فاطمه علیها السلام که

۱. بنابر بیانی در روایتی دیگر علت تسمیه اولوالعزم عزم بر ولایت است (ر.ک: ح ۱۱۰۱).

۲. رابطه علم خداوند با قدرت را می‌توان در این عبارت امام باقر علیه السلام نیز مشاهده کرد: «ان الله عزوجل ابتدع الاشیاء کلها بعلمه علی غیر مثال کان قبله» (ح ۶۶۳).

۳. این جفر سفید در برابر جفر سرخ قرار دارد که ظرفی است که حاوی اسلحه است که تنها برای خونخواهی گشوده می‌شود و صاحب شمشیر آن را برای کشتن باز می‌کند (ح ۶۳۱)؛ برای تفصیل مطلب درباره جفر در روایات ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۳.

۴. فرق میان مکتب اهل بیت (تشیع) و مکتب خلفا (تسنن) روشن می‌شود و آن فرق اساسی این است

سخنان فرشته‌ای است که پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه نازل می‌شد و با وی سخن می‌گفت. مطالبی که در آینده زمانی رخ می‌دهد (ح ۶۳۰) اسامی حکام و پادشاهان در آن درج است. (ح ۶۳۵) علوم اهل بیت علیهم السلام اجمالی است که در هر شب قدر به صورت تفصیلی درمی‌آید (ح ۶۴۴) در هر شب جمعه، ارواح پیامبران و اوصیای الهی، رسول خدا و امامان متوفی و امام زنده به عرش می‌روند. این علم در روایتی از این علم با وصف مستفاد یاد شده است. که اگر نبود علم اهل بیت علیهم السلام پایان می‌پذیرفت^۱ (ح ۶۴۷).

برخی علوم مخصوص خداوند است و جز حق بر آن اطلاع ندارند. بخشی از علوم

که هیچ یک از ائمه اهل بیت از نزد خود سخن نمی‌گفتند بلکه می‌گفتند که پیامبر فرموده یا خداوند فرموده است حضرت امام صادق علیه السلام یا امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌فرمود: «من می‌گویم» ولی پیشوایان دیگر مذاهب اسلامی معتقد بودند که آنها می‌توانند اظهار نظر و رأی کنند ولی خلیفه دوم عمر در اجتماع عموم مسلمانان می‌گفت متعتان کانت علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله انا انهی عنهما و اعاقب علیهما متعة الحج و متعة النساء «انا انهی عنهما» (ر.ک: ابن رشد، ۱۹۹۵، ۲ / ۱۴۱؛ ابن قدامه، ۱۴۱۷ / ۷ / ۵۲۷، ابن قیم جوزیه: ۱۴۱۵ / ۲ / ۲۰۵؛ ابن حزم (بی‌تا): ۱۰۷ / ۷؛ جصاص، ۱۴۰۵ / ۲۷۹ / ۱؛ ر.ک: عسکری، ۱۳۷۰: ۱۴۸ / ۱-۱۴۹).

۱. در کتاب الحججه باب مستقلی با عنوان «لولا ان الائمة علیهم السلام یزدادون لنفد ما عندهم»^۴ روایت در این موضوع آورده شده است (ح ۶۴۹-۶۵۲). میرجهانی طباطبائی (۱۳۸۲) در این باره معتقد است که علم مستفاد یا برای تقویت و تأکید است یعنی امام همه چیز را می‌داند ولی برای تأکید مطلب دوباره به او عرضه می‌شود و یا اینکه بگوییم همه علوم را می‌دانند ولی مأمور و مأذون به گفتن برای خلق نیستند و خداوند متعال در شب‌های جمعه به آنها اجازه می‌دهد که چه چیزی را بگویند و چه چیزی را نگویند (۲۳۱ و ۲۲۵).

گنجی (۱۳۸۹) در این رابطه می‌نویسد: شاید بهتر باشد که بگوییم: استمرار فیض یا بقاء فیض است که در شب‌های جمعه مستفاد میشود و تعبیر به ازدیاد شده است و در بقاء و استمرار این علوم است که اهل بیت نیازمند فیض مجدد الهی هستند. مانند «اهدنا الصراط المستقیم».

عن امیرالمؤمنین: ادم لنا توفیقک الذی اطعناک به فی ماضی ایامنا حتی نطیعک کذلک مستقبل اعمارنا. (فیض، بی‌تا: ۷۲/۱).

مخصوص خداوند پس از بداء به امام زنده و متوفی اعلام می شود (ح ۶۵۳). برخی دیگر از علوم که خداوند به ملائکه و امامان اعطا کرده است، ائمه علیهم السلام از آن با خبرند (ح ۶۵۶). همه علوم حق تعالی از مجرای رسول خدا به امامان اعطا می شود (ح ۶۵۲). امام گاهی به خاطر ملاحظاتی، علوم غیر محسوس را از خود نفی کرده است (ح ۶۵۹). تعبیر علم غیب در روایت، مراد علم غیب ذاتی است که حضرات اهل بیت علیهم السلام از خود نفی کرده اند (ح ۶۶۰؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳/۲۶) در برخی دیگر از روایات کافی با عنوان دانش مخزون و مکنون ذکر شده است (ح ۶۵۳ و ۶۵۶). امام هرگاه بخواهد چیزی را بداند، می داند (ح ۶۶۱) و خداوند او را از آن آگاه می سازد^۱ (ح ۶۶۳). شرط حجت بودن اهل بیت علیهم السلام علم آن حضرات است (ح ۶۶۴)؛ زیرا وجوب اطاعت از هر شخصی به طور مطلق بدون علم امکان ندارد (ح ۶۷۴) در کتاب اصول کافی بابی مربوط به این است که اهل بیت علیهم السلام از مرگ خود اطلاع دارند و مرگ آنان به دست خودشان است و آنان اختیار می کنند که در چه زمان مقدرات الهی اجرا شود (ح ۶۷۱ و ۶۶۴) پیامبر صلی الله علیه و آله اگر یک حرف هم فرا می گرفت آن را به علی علیه السلام تعلیم می داد. (ح ۶۸۰) در روایتی به شکل زیبا مواد علم با منابع بیان شده است.

مرحوم کلینی این روایت را ذیل عنوان جهات علوم الائمه علیهم السلام ذکر کرده است: این روایت به این شرح است: علم ما بر سه گونه است: علم به گذشته (ماضی)، آینده (غایب) و اکنون (حادث) دانش گذشته تفسیری است. (میراث پیامبران) علم آینده مکتوبی (صحیفه فاطمه علیها السلام)، علم اکنونی (الهامی) که بهترین دانش اهل بیت علیهم السلام است (ح ۶۸۱)؛ ر.ک: شبیری زنجانی و شبیری زنجانی، ۱۳۸۷: ۱۲) در کتاب الحجه باب مستقلی با این عنوان است که اگر راز ائمه حفظ شود، سود و زیان هرکس را به او خبر می دادیم، حکایت از عدم ظرفیت مخاطبان در شنیدن معارف الهی است (ح ۶۸۴ و ۶۸۵) هر امامی علوم

۱. مجلسی (۱۳۸۳) روایت «ان الامام اذا شاء ان يعلم» عِلْم را عُلْم می خواند یعنی امام هرگاه بخواهد چیزی را بداند خدا او را آگاه می کند (۱۱۸).

امام قبلی را در آخرین مرحله از حیات امام قبلی دریافت می‌کند (ح ۷۱۸). همه امامان در علم و شجاعت برابرند (ح ۷۲۰) نزد هر امامی صحیفه‌ای است که راجع به برنامه‌هایی که باید انجام دهد، مطالبی آمده است. هنگامی که آن کارها به پایان می‌رسد، می‌داند که مرگ وی فرارسیده است. سپس پیغمبر نزد وی آید و خبر مرگش را به او می‌گوید و آنچه نزد خدا دارد، به او گزارش دهد (ح ۷۳۸). امام به زبان‌های مختلف آگاهی دارد (ح ۷۴۴). پیامبر اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را به علی سپرد (ح ۷۵۹). در گوشه‌ی دسته‌ی شمشیر پیغمبر دفترچه‌ای بود که حروف آن مفتاح هزار حرف بود که تا زمان امام صادق علیه السلام دو حرف از آن نیز خارج نشده است (ح ۷۶۲). ظاهراً این روایت تعبیر دیگری از اعطای هزار باب علم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام است (ح ۷۶۶). علم به وفات امام قبلی از طریق الهام درونی است (ح ۹۸۵). امام در برابرش عمود نورانی است که کردار بندگان را می‌نگرد (ح ۱۰۰۰). جنیان پرسش‌های خود را از ائمه می‌پرسند و در مسائل خود به آن‌ها رجوع می‌کنند^۱ (ح ۱۰۳۰ و ۱۰۲۴). داوری در زمان ظهور امام زمان علیه السلام همچون داوود داوود نبی علیه السلام بر پایه باطن حکم می‌شود^۲ (ح ۱۰۳۵) منبع علوم از بیت آل محمد علیهم السلام است.^۳ علوم صحیح نزد این خانواده عظیم الشان است.^۴ در روایت آیه **﴿ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ﴾** به علم امام معنا شده است که همه چیز را فراگرفته است (ح ۱۱۶۲) اهل بیت علیهم السلام

۱. در کتاب الحججه باب مستقلی با عنوان «ان الجن یاتیهم فیسالونهم عن معالم دینهم ویتوجهون فی امورهم» است.

۲. در کتاب الحججه باب مستقلی با عنوان «فی الائمة علیهم السلام انهم اذا ظهر امرهم حکموا بحکم داود و آل داود ولا یسالون البینه علیهم السلام و الرحمه والرضوان» روایت ذیل آن ذکر شده است.

۳. در کتاب الحججه باب مستقلی با عنوان «ان مستقی العلم من بیت آل محمد علیهم السلام» روایت ذیل آن ذکر شده است.

۴. در کتاب الحججه باب مستقلی با عنوان «انانه لیس شی من الحق فی ید الناس الا ماخرج من عند الائمة علیهم السلام» و «ان کل شی لم یخرج من عندهم فهو الباطل» روایت ذیل آن ذکر شده است.

مؤمنان و منافقان را شناخته (ح ۱۱۸۲) و با شناختی که از سؤال کننده دارند، پاسخ وی را می گویند (ح ۱۱۸۳). اهل بیت علیهم السلام کلمات پرندگان را می فهمند (ح ۱۲۷۰). سالکان راه اهل بیت علیهم السلام نیز بی بهره از این عرصه نیستند. برخی اصحاب اهل بیت علیهم السلام مانند رشید هجری نیز علم منایا و بلایا را می دانند (ح ۱۲۸۷).

محمد بن حنفیه در پاسخ به امام حسن علیه السلام می گوید: زبان هر گوینده و دست هر نویسنده از ادای حق مقام شما عاجز است. در این امر قلم های از بین می رود و کاغذها به پایان می رسد با این حال فضایل شما به پایان نمی رسد (ح ۷۷۴).

فرض ذهنی مخالفان امامیه این بوده که امامان بر غیب آگاهی دارند (ح ۱۳۰۶) امامان گاه توریه کرده و علم خود را آشکار نمی کردند (ح ۱۳۱۳) یا به صورتی خاص بیان می کردند (ح ۱۴۰۰) برخی از یاران امام اطلاع امام بر ضمائر را امری عادی بر می شمردند (ح ۱۳۲۴) امام با زبان غلمان ترک، روم و... به زبان خودشان سخن گفته و آن را از توانایی های حجت الهی می دانستند (ح ۱۳۳۲).

امامان در ماجراهای فراوانی قدرت علمی خود را نشان داده اند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۳: ۶۲). روایات کافی که در ابواب التاریخ کتاب الحجه ذکر شده است، از امام رضا علیه السلام علم غیب بیشتری اظهار شده است. باب مولد الصاحب به اخبار از غیب توسط امام دوازدهم اشاره دارد.^۱

۱. مجلسی (۱۴۰۳) از روایات را با عنوان باب «انهم لا يعلمون الغیب و معناه» آورده و به جمع آنها می پردازد. وی در آنجا علم غیب امام را نسبی دانسته است و می گوید: علم غیب امام در سایه قرب به خدا قابل افزایش است و این دانش است که همواره با افاضه الهی دریافت می شود (۲۱/۲۶).

۱-۲ عصمت امام^۱

امامان از هر خطا و لغزشی مصون هستند^۲ (ح ۶۹۶)؛ حجت الهی بایست این گونه باشد (ح ۵۱۷) امامان در جوانی به تقوای الهی شناخته شده و در هنگام پیری به علم و فضیلت مشهور هستند (ح ۵۱۹). عصمت از مقام روح القدس آنان که عامل تسدید و حفظ الهی شان است (ح ۲۶۲ و ۲۷۲).

۱-۳ قدرت امام^۳

مواریثی که امامان از پیامبران دارند، هرکدام نشانه‌ای است برای کاری، عمامه نشان قدرت است. شمشیر نشان عزت الهی است. کتاب نشانه نور و عصا نشانه قدرت خداوند است و انگشتر نشان جمعی همه موارد است (ح ۸۲۱) وجود عصای حضرت موسی نزد اهل بیت علیهم السلام (ح ۶۱۲) نشان تسلط بر طبیعت و توان معجزه دارد. همچنین سنگ عظیمی که حضرت موسی به واسطه جوشش آب از آن گرسنگان و تشنگان را سیراب می‌کرد، نزد آن جناب است (ح ۶۱۳) سلاح‌های پیامبران گذشته همچون تابوت قوم حضرت موسی نیز نزد اهل بیت علیهم السلام است^۴ (ح ۶۱۶). امام در گهواره سخن گفته است

۱. برای شواهد روایی مهدی فرمانیان عصمت و عزم ائمه را در روایات مبتنی بر رجال کشی فهرست کرده است (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۳۰۵-۳۲۲).

۲. تعبیر عصمت کاملاً یک تعبیر روایی است.

۳. بحرانی (۱۳۸۵) روایات معجزات دوازده امام به ۲۰۶۶ روایات رسیده که متجاوز از ۶۵۰ روایت اخبار غیبی آنان است. حر عاملی (۱۴۲۵) معجزات ائمه را به ۱۹۰۷ روایت رسانده و از روایات معجزات پیغمبر ۷۲۰ روایت قناعت کرده است. همچنین ایشان روایاتی که در آن به امامت ائمه هدی و خلافت و عصمت این دوازده نفر چه به طور اجمال چه به تفصیل در اثبات الهداة (باب ۹) به ۹۲۷ روایت رسانده و روایات علم امام را نیز که در این موضوع است به ۲۷۸ روایت رسانیده است.

۴. تابوت صندوقی بود برای تورات از چوب شمشاد و طلاکاری شده به حجم سه ذراع در دو ذراع، چون موسی به جنگی می‌رفت تابوت را در جلو لشکر میبردند تا لشکریان آرامش دل یابند و فرار نکنند.

(ح ۸۰۲) معجزات فراوانی از امامان ظاهر شده است^۱ (برای نمونه: ح ۱۳۱۴ و ۱۳۰۴). اهل بیت ﴿﴾ حاکمان گنج‌واره‌های زمین هستند (ح ۱۲۷۶). دارای قدرت طی الارض (ح ۱۳۰۱) و مالک همه دنیا هستند (ح ۱۴۱۲).
در ابواب التاریخ کتاب الحججه برخی از معجزات اهل بیت ﴿﴾ ذکر شده است.

۲. امام و عوالم هستی

۲-۱ امام و عالم ذر

امام در عالم ذر تحت توجه حق پرورش یافته است (ح ۵۱۹). در عالم ذر از شیعیان بر امر ولایت پیمان گرفته است (ح ۱۱۸۰ و ح ۱۱۷۲) خدا ارواح شیعیان را دوهزار سال قبل از بدن هایشان آفرید و ایشان را بر پیغمبر عرضه داشت. پیامبر و علی ﴿﴾ آنها را شناختند (ح ۱۱۸۰). اسامی این شیعیان نزد اهل بیت ﴿﴾ موجود است (ح ۱۱۸۱). اهل بیت ﴿﴾ پیش از خلقت اشیاء در عالم اظله بوده و تسبیح و تقدیس حق را می‌کردند (ح ۱۱۹۰).

۲-۲ امام و عرشیان

تمام ملائکه و روح القدس و پیامبران به فضیلت اهل بیت ﴿﴾ اقرار دارند هر آنچه را که برای محمد ﴿﴾ قائل بوده‌اند (ح ۵۱۵)، امام محل آمد و شد (مختلف) ملائکه الهی است (ح ۵۸۱ و ۵۸۲) در هر شب قدر ملائکه و روح بر امام فرود آمده و معارف کتاب و... را می‌آورند^۲ (ح ۶۳۸). ابدان و ارواح ائمه از علین و مافوق آن خلق شده است (ح ۱۰۰۵). ملائکه به خانه ائمه آمده و اخباری برایشان می‌آورند^۳ (ح ۱۰۲۰) در آسمان هفتاد صف از

۱. ر.ک: باب مايفصل به بين دعوى المحق والمبطل فى امر الامامه.

۲. اهل بیت توصیه دارند که بر اساس مفاد سوره قدر امامت را اثبات کنید (ح ۶۴۲).

۳. در کتاب الحججه بابی است که در این موضوع است با عنوان ان الائمة تدخل الملائكة بيوتهم و تطا بسطهم و تاتيهم بالاخبار ﴿﴾.

ملائکه است. اگر تمام مردم روی زمین جمع گردند نتوانند یک صف را برشمرند. تمامی آن صفوف ولایت ائمه را معتقدند (ح ۱۱۷۶).

۲-۳ امام در قیامت

امیر المؤمنین علیه السلام قسمت کننده بهشت و دوزخ است (ح ۵۱۵)، علی صاحب میسم است (ح ۵۱۵). میسم نشانه است که بر پیشانی مؤمن و منافق می گذارند تا به واسطه آن در قیامت شناخته شوند.

۳. امام و علل عالیه خلقت

۳-۱ امام و حق تعالی

امام خلیفه خداوند بر روی زمین (ح ۵۰۶) ابواب الهی که از آن طریق بایست بر خداوند وارد شد (ح ۵۰۷) امام نور خداوند در آسمان و زمین است^۱. نور امام در قلوب مؤمنین از نور خورشید تابان در روز روشن تر است (ح ۵۰۹). امام رشته الهی است که فیوضات خدا از او منقطع نشود و آنچه نزد خداست جز از طریق او به دست نیاید^۲ (ح ۵۱۹) امام واسطه بین مردم و خداوند عزوجل است (ح ۶۸۶) خداوند قبل از تمام خلقت

۱. در اصول کافی بابی با عنوان «ان الائمه علیهم السلام نور الله عزوجل» آمده که ذیل آن ۶ روایت ذکر شده است آیاتی از قرآن که در آن لفظ نور آمده براهل بیت تطبیق شده است.

۲. مجلسی (۱۳۸۳) در شرح حدیث اول از کتاب الحجّة کافی می گوید: به اخبار مستفیضه ثابت شده است که آنان وسائل بین حق و خلق در افاضه جمیع رحمت ها و علوم و کمالات اند پس هر چه توسل به آنان و اذعان به فضیلتشان بیشتر باید ریزش کمالات از ناحیه خداوند متعال بیشتر خواهد بود. در شرح کلمه بیت الرحمة که ائمه در ۳ روایت از کافی فرموده اند: بیت الرحمة ماییم، این برای آن است که آنان منبع هر نعمت و رحمتی هستند به واسطه ایشان رحمت ها بر کائنات افاضه می شود در زیارت آل یاسین کبیر فما من شی الا وانتم له السبب والیه السبیل (مجلسی، ۱۳۸۳: ۱/۱۶۷).

نور پنچ تن را آفریده است^۱ (ح ۱۱۸۵) خداوند نام این خانواده را در عالم بلند ساخته است (ح ۱۱۹۱)؛ بنابراین روایتی از جابر اسامی دوازده گانه ائمه در لوح سبز و درخشانی از سوی خداوند برای رسول اکرم ﷺ فرستاده شده است (ح ۱۳۸۲).

۲-۳ امام و انبیاء الهی

طبق روایتی که در طریق آن حسن بن عباس بن حریش رسیده که در ثقه بودن وی بحث است. ادریس نبی ﷺ نزد امام محمد باقر ﷺ آمده و مسائلی را سؤال کرده است (ح ۶۳۸) تمامی انبیاء بر اساس ولایت اهل بیت ﷺ مبعوث شدند (ح ۱۱۷۴) هر نبی که آمده معرفت اهل بیت ﷺ را شناخته و آنان را بر غیر خودشان برتری داده است (ح ۱۱۷۵). ولایت امیر المؤمنین ﷺ در جمیع صحف انبیاء مکتوب است. هیچ رسولی نیامده مگر آنکه نبوت محمد ﷺ و وصایت علی ﷺ پذیرفته است (ح ۱۱۷۶). خضر نزد اهل بیت ﷺ می آمده است (ح ۱۳۸۰).

۳-۳ امام و پیامبر خاتم ﷺ

امام علی ﷺ در علم با پیامبر شریک است. اما در مسئله نبوت با وی شریک نیست^۲

۱. در بحث ابواب التاریخ کتاب الحجج باب «مولد النبوی ﷺ و وفاته» روایات فراوانی را در این موضوع می توان مشاهده کرد. شیخ مفید در المسائل السیرویه و المسائل العکبریّه به نفی باور تقدم انوار ائمه بر تمامی مخلوقات پرداخته و آن را از مجعولات می داند.

۲ کل ما کان لرسول الله فلنا الا النبوة و الزواج (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۷/۲۶). روایتی که صدوق از محمد بن حرب امیر مدینه در علل الشرایع روایت کرده. حضرت صادق به محمد بن حرب فرمودند پس از دلیل آوردن آن حضرت برای او که چرا امیر المؤمنین پا بر دوش پیغمبر گذارد و برای شکستن بتها در اندرون کعبه و پیغمبر پا بر دوش او نگذارد. در آخر حدیث فرمود: فالنبی رسول الله نبی امام و علی امام لیس نبی ولا رسول فهو غیر مطیق بحمل ائصال النبوة. همچنین در رجال کشی از امام صادق به ابن ابی یعفور آمده است: من از کسی که ما را نبی می داند برائت می جویم.

(۶۷۸ ح) عنوان بابی در کتاب الحججه: فی ان الاثمه یشبهون ممن مضی و کراهیه القول فیهم بالنبوه» است که این نسبت را به تصریح نفی می‌کند (ح ۶۹۶)

رسول خدا صلی الله علیه و آله برترین فرزند آدم در آفرینش است. از همه مخلوقات برتر است (ح ۱۱۸۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اول مؤمن به پروردگار بوده و اول کسی است که در روز میثاق پاسخ حق را داده لذا برترین جایگاه را کسب کرده است (ح ۱۱۸۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صعود مراتب الهی نیز به مراتبی دست یافته که دیگران دست نیافته‌اند (ح ۱۱۹۵ و ۱۱۹۶).

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

بازگشت به روایات امامیه علاوه بر اینکه ما را از انحراف‌های التقاطی بازمی‌دارد، می‌تواند ایده‌ها و راهکارهای جدیدی در برابر خواننده قرار دهد. نحوه تبیین معارف و شیوه‌هایی که امامان شیعی در قبال مخاطبان متفاوت به کار گرفته‌اند، ما را در بازخوانی‌های مجدد در چارچوب متن یاری می‌بخشد. همان‌طور که فقه پویا در چارچوب فقه جواهری است، کلام پویا نیز در چارچوب متن شکل می‌گیرد. این متن زمینه این خوانش را در حوزه امام و امامت فراهم کرده تا با بهره‌گیری از کلام اهل بیت علیهم السلام، معارف امامیه تبیین گردد. این تحقیق زمینه پژوهش‌هایی در باب اصالت مباحث دیگر مطالب کلامی است و اثباتگر اصالت معارف نقلی و عقلی معارف امامیه است.

منابع

۲. قرآن کریم.
۳. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۹۹۵م)، *بداية المجتهد و نهایه المقتصد*، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۱۷ق)، *المغنی*، ریاض: دار عالم الکتب.
۵. ابن حزم، علی بن احمد؛ شاکر، احمد محمد (بی تا)، *المحلی*، بیروت: دار الجیل.
۶. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۵ق)، *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۷. اوجاقي، ناصرالدین (۱۳۸۸)، *علم امام* از دیدگاه کلام امامیه (از قرن اول تا هفتم هجری)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸. بحرانی، سید هاشم (۱۳۸۵)، *مدینه المعاجز*، تهران: بنیاد معارف اسلامی.
۹. بنی عصار، امیر؛ عباسی، فرهاد؛ سالمی، رحیم (۱۴۰۲)، *پاییز و زمستان*، «تحلیل قاعده امامت از منظر امام خامنه ای با تطبیق بر کتاب *الحججه الکافی*»، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۹، صص ۹-۴۲.
۱۰. تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الأضواء.
۱۱. جعفری، محمدرضا (۱۳۸۷)، *پاییز*، «تعلیقات آیت الله جعفری بر اصول کافی، نه باب از کتاب *الحججه*»، سفینه، شماره ۲۰، صص ۱۴۴-۱۶۸.
۱۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳)، «*عصمت امامان شیعه*»، قم: معارف کلامی شیعه.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۲۵ق)، *إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. شبیری زنجانی، سید موسی؛ شبیری زنجانی، سید محمد جواد

- (۱۳۸۷، شهریور)، «پرونده کلینی و کافی»، کتاب ماه دین، شماره ۱۳۰ و ۱۳۱، صص ۱۱-۱۷.
۱۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۰)، مقاصد العلیه، تصحیح: علی اسدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، تلخیص الشافی، قم: محبین.
۱۷. عسکری، مرتضی (۱۳۷۰)، نقش ائمه در احیاء دین، تهران: مجمع علمی اسلامی.
۱۸. غلامی، اصغر (۱۳۸۷، بهار)، «نمایه احادیث علم امام در کتاب الحججہ اصول کافی»، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره ۱۸، صص ۱۱۱-۱۵۵.
۱۹. فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۱، بهار)، «امامت؛ روش شناختی و چیستی»، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۵۵.
۲۰. فیض، محسن (بی تا)، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۴)، الکافی، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
۲۲. گنجی، حسین (۱۳۸۹)، امام شناسی: تقریرات درس امام شناسی حوزه، قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۳)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفا و دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۹)، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.
۲۶. مفید، محمد بن محمد؛ (۱۴۱۳ق)، الحکایات فی مخالفات المعتزلة من العدلیة

والفرق بينهم وبين الشيعة الإمامية، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۲۷. میرجهانی طباطبائی، حسن (۱۳۸۲)، ولایت کلیه، تصحیح: سید محمد لولاکی،
قم: الهادی.